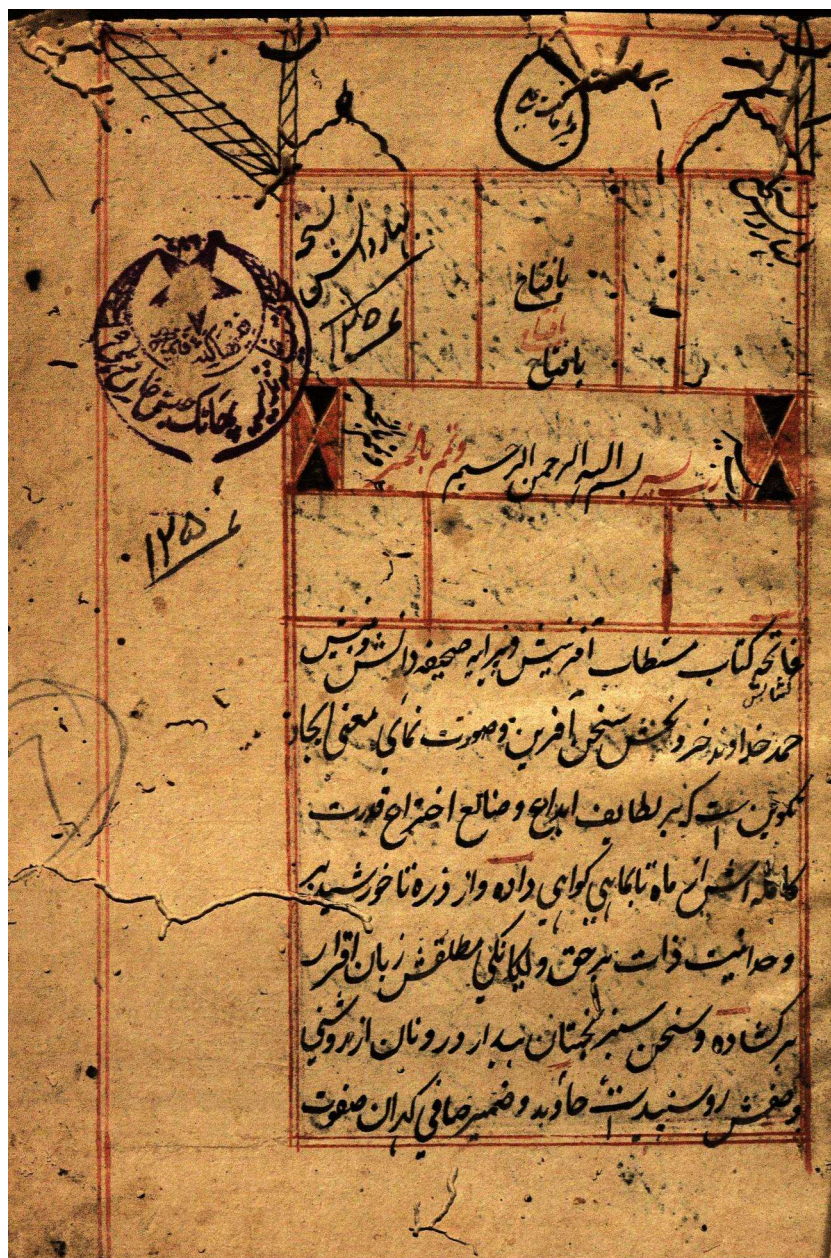




Nazeeria Collection

**FUMIGATED**

891.553  
LIB B



فاتیح کتاب سطر آمیزش در این صیغه داشت  
حمد خداوند خرد و بخشش سخن آفرین و صورت نمایی معنی ابدان  
همچون است که بر لطایف ابداع و صنایع اختراع قدرت  
کامه اشراش ماه تابانای کوی داده و از ذره تا خورشید  
و حدائیت ذات بر حق و لیکانگی مطلقش زبان اقرار  
بر کثرت و سخن سبز بختان بیدار در و نال از روی  
و صفش رو سپیدت حاوید و ضمیر صافی که آن صفت

این از قوه بر توحید قدرت رنگ افشایی انجلی الوار ماه و غیر  
انجلی سیریه برای رنگین هم آفرینش میسر رنگ نقوش لکار رنگ  
و صورت کونگون جز قلم قدرت که بر صفحه ظهور الکلاد و این کون  
اشکال مختلفه و اوضاع جداگانه در کارخانه بوقلمین جز  
صنعت و الایت که در جلوه نمود آرد **اجابت** تو لکاری از  
خاک صورت پاکت نو تویش باز کردن خاک تو دی  
تواری از دل سنگ آتش لعل لعل آتش رنگ  
همه از شع تو مکان و مکان همه در امر تو زمان زمین  
اندک اعجاز بیشه دقیقه سخنان قضا و قدر از بدو شناس  
اصناف صنعت سرایه حیرت بجای نسید و خطی  
که تو کلف و خرد عقودت ای الزباب فضل مهر را  
ماند گفت شرافت صفات کرمی ابریز بیان نیفتاد  
که شرح آن تواند کرد روزی غفلت و نه تمیزی که در مقام

مهر را

چشم بین و عقل همه دان مقدسان ملا اعلی اراد را کاشی  
حقیقت شناسی انبار ساسی دریافت اعتراف نماید و فکر  
بلند آنکه رقیقه رسد و الا که ان عالم بالا از تصور او نامرات حق  
صفایش بعجز و قصور که باید با پاسک مکان را و به حد و دست و  
امکان را باین پس باید چه بار که خلقت بر امر حلیه پهای سواد  
اعظم معرفتش کاریم با پیران و هم و خیال ناقص را با چنین  
بستی فرو مایه چه مقدار که بر تر و فکر و کمالی و نظر نام شست  
حضرت بخش بر زبان می و چون بر سا مکان سکته می  
بدانست و صورت روشن و صانع محتاج لغز و حجیت  
که سخن آفرین و اله حضرت را فکر ناقص انسان پیادری احوال  
تحت اسباب سخن می تواند سنو و آفرین ساختن  
ساحت آفرین کار را بمقدار و هم و از نظر زبان نتواند بود  
بلند آنکه اندیشه را از طی مسافت این واری بر آفت